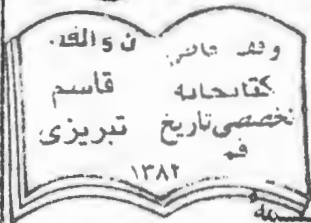


حزب توده ایران

و

جنبش مسلمانان



«نوید»

بخرداد ۱۳۵۷

از استشارات حزب توده ایران
تهران ۱۳۵۷

حساب بانکی ما :

Sweden

Stockholm

Stockholms Sparbank

Nr: O 400 126 50

Dr. Takman

با ما تماس بگیرید زیرمکاتبه کنید :

Sweden

19028 Stockholm 49

P.O.Box 49034

پیشگفتار

در حالی که امواج طغیان خشم آگین مردم علیه رژیم ضد ملی و دیکتاتوری شاه سراسر کشور را فرا گرفته و هر روز دامنه وصل بیشتر می‌یابد و در میدان این پیکار دلبانه و خانسازانه، گروهها و افشار مختلف مردم در کاره‌سهم می‌ستیزند، زخم بر می‌دارند، به زندان می‌افتند و شهید می‌شوند و در حالی که خون بر خاک شسته شهیدان در هم می‌آمیزد و در هر ذره خود صورت تپوید و اتحاد همه نیروهای میهن پرست و آزاد بخواد و افزایش می‌یونسد، در خیمان و مراطرفان، دشمنان آشکار و نهان خلق با تمام نیرو و امکانات خود مدبو حانه تلاش می‌کنند در صفوف نیروهای میهن پرست و آزاد بخواد شکاف بیندازند و از اتحاد آن‌ها که ضامن پیروزی است جلو گیرند. یکی از رذیلاته ترین و متناقضانه تا حدی کامیاب ترین دستاویز های آن‌ها در این مورد کوشش برای ایجاد شکاف، بدبینی و حتی دشمنی غیر اصولی میان مارکسیست‌ها و مسلمانان است. در حالی که گستره وسیعی برای همکاری و همجوندی میان مارکسیست‌های واقعی، یونه ادما می‌و مسلمانان میهن پرست و آزاد بخواد و پیشرو وجود دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی و دروغ برآکی رژیم ضد خلقی شاه بی وقفه و رذیلاته می‌کوشند جنس وانسوسد سازند که بی مارکسیست‌ها و مسلمانان فاصله ای بر نشدنی وجود دارد، اختلاف نظرهای مردمی و کم اهمیت (در مرصه پیکار مشترک ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری) را بزرگ و اساسی جلوه می‌دهند و مسلمانان را از بسه اصطلاح خطر اتحاد با مارکسیست‌ها که گویا می‌خواهند از این اتحاد برای مقاصد " ضد مذهبی" بهره برداری کند بترسند. می‌دارند. رژیم نسبا به این تبلیغات زهر آگین بسنده نمی‌کند و با دست زدن به یک رشته از وحدت‌بانه ترین و غیر آسانی ترین شیوه‌ها و صحنه سازی‌ها و حادثه آفرینی‌ها تلاش دارد توده های دارای اعتقادات مذهبی را به دستخسی جملیات خود متقاعد سازد. از سوی دیگر هستند کسانی که طاهر آخوند را در جنبه نیروهای ملی و آزاد بخواد می‌پندارند اما با ایجاد ضد های مصنوعی بر سر راه اتحاد نیروهای خلق (مسلمانان مارکسیست) عملا (دانسته یا ندانسته) آپ به آسیب رژیم ضد خلقی و ضد ملی شاه می‌ریزند و با ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای پیکارجوی میهن به تحکیم پایه های لوزان رژیم جاری می‌رسانند.

از آنجا که روشن کردن هر چه بیشتر مواضع و نظر گاه های مسلمانان مارکسیست و در رأس آن‌ها حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در مورد جنبش مسلمانان و شرایط اتحاد با آنان در مراحل مختلف جنبش خلق، در شرایط کنونی اوج گیری این جنبش اهمیت با زهم صرم تری کسب می‌کند، می‌گوئیم با انتشار این جزوه که حاوی ملاحظات است که پیش‌تر در حلقه دنیا، نشریه سیاسی و نظریه گیت مرکزی حزب توده ایران بسه چاپ رسیده است، به این مهم تا حدی پاسخ گوئیم.



کمیته مرکزی حزب توده ایران

از همه مخالفان رژیم ترور و اختناق کنونی ایران دعوت می کند

برای برانداختن استبداد محمد رضا شاه

در یک جبهه ضد دیکتاتوری همکاری نمایند

هم میهنان گرامی!

همه ما شاهد آن هستیم که نتایج شوم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم استبدادی محمد رضا شاه هر روز دردناکتر می شود و زنجیرهای اسارتی که این استبداد صوفیه دست و پای مردم مسلمان را بسته، هر روز سنگین تر و خون آلود تر می گردد. با گذشت زمان بیش از پیش چهره واقعی این رژیم فاشتر و جنبات پنهان برای قشرهای گسترده تری از مردم ایران آشکار می گردد.

ساختگت های بی در پی سیاستمدار طغیان رژیم استبداد شاه که هسته اساسی وجهت ضد ملی و وابسته کردن بیش از پیش اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی است، ائتلاف ثروت عظیم ملی ما و به ویژه در آمد کلان نفت برای خرید مملکت ها، اسلحه از سوداگران امپریالیستی و دادن وام های کلان به انحصارهای امپریالیستی، ساختن پایگاه عظیم نظامی برای تجاوز، تحميل بودجه کمر شکن ارتش و غارت بی بند و بار با جانده آن به دست گردانندگان رژیم، شرابطمانی زندگی اکثریت مردم در یکی دو سال گذشته در دشارتر شده و احساس ناخشنودی، اکثریت سنگینی از مردم کشور را فراگرفته است.

مایل دیگری که به گسترش بازهم بیشتر ناخشنودی مردم از رژیم میدان می دهد، تحسولات طغیان است که با شتاب روز افزون در میدان بینا و سیاست جهان اصولی و در جریان است. مردم کشور ما با وجود رژیم استبدادی، و علی رغم اختناق و با وجود تبلیغات دولتی به میزان زیاد با این باقیبیت آشنا می شوند که در جهان امروز تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و صلح و جنبش های رهای بخش ملی و به زبان امپریالیسم و رژیم های ناسد فاشیستی و شبه فاشیستی مانند رژیم ایران بیش از پیش در حال تغییر است. آنها شاهد آن هستند که یکی پس از دیگری رژیم های شهکار استبدادی سراسر سنگون می گردند.

مردم می بینند که در دنیای کنونی جا بروزیم های استبدادی و نظیر رژیم ایران تنگ تر می شود و امپریالیست های هوادار آنهم در یگر دارای آن نفوذ و قدرت گذشته نیستند که بتوانند برای همیشه چنین رژیم هایی را بر سرکار نگه دارند. این واقعیت بر ناخشنودی مردم کشور ما از بقا رژیم استبدادی فاشترگران بازهم می افزاید و به آنها برای کوشش در راه برانداختن آن نیرو واحد می بخشد.

این ناخشنودی از سوسی و امید از سوسی دیگر، قشرهای گسترده ای از مردم را به جنبش درآورد

به میدان مبارزات بر دافعه اقتصادی و سیاسی کمانده است. اصحابات مرکزگرایی در واقع همسایه‌ای صمیمی و در مواردی حتی اصحابات کارستانان دولت و همچنین نمایش‌های پرداخته در انجمن و هیئت‌ها همه دانشگاه‌های ایران به‌یادگار این ناخشنودی است. این ناخشنودی حتی در مقالات روزنامه‌های ساواک و در رسمی کشور و در مجلسی نمایشی بازتاب مخصوصی یافته است. واقعیت این است که گسترش ناخشنودی به مراتب پهنای رتر و ژرفتر از نمایش خارجی آنست.

به موازات گسترش ناخشنودی، فشار اجتماعی ساواکی همی افزایش یافته و می‌باید، ساواک با این بی‌احسان خون‌آشام و جنایت‌پیشه استبداد محدرها شاه هرروز درنده‌تر و بی‌رحم‌تر و بی‌پشیمان‌تر به زنجیر کشیدن، شکنجه دادن و کشتار مخالفان رژیم بهترین شود. سیاست‌های رسمی سیاسی، کشتارهای آشکار و پنهان مخالفان رژیم در زندان‌ها و غماها و تهاوی و شکنجه‌های گاه‌های ساواک هرروز طولانی‌تر می‌گردد.

اگر تا چندین روز پیش فشار استبداد شاه متوجه مبارزان انقلابی بوده‌ای و غیرت‌های مبارک‌کمیت و شویبارکمیت بود و در بر زمان است که دیگر این فشار همه گوشده و تنها وابستگان و ناپیدکنندگان و کارگزاران رژیم از آن در امانند.

مده‌تاست که دیگر نه تنها انقلابیون، کارگران و دهقانان زحمتکش، روشنفکران و جوانان مبارز ضد رژیم بلکه حتی آن سرمایه‌داری که در مقابل خارتگری بی‌بند و بار کارگزاران ساواکی رژیم کوچکترین مقاومتی ننماید، سنگینی زنجیرهای امارت ساواکی را بر دست و پای خود و حتی چنگال زهرآلود جلاهای ساواک و سایر گوی خود احساس می‌کند.

هرروز فشارهای تازه‌تری از مردم نه تنها از زحمتکشان شهر و ده و قشرهای از طبقات متوسط و حتی از وابستگان طبقات بالا می‌جامد، این واقعیت را می‌باید بر آنکه هدف اصلی رژیم سیاه استبداد محمده رضا شاه، ادامه خارتگری بی‌بند و بار ثروت ملی میهن ما به دست گردانندگان رژیم پهنی خانسیستان پهلوی و دستیارانش به کمک کارگزاران این گروه به دست انحصارهای چهارلنگ امپریالیستی، ایستادگی پایگاه نظامی برای حفظ تسلط امپریالیستی بر ثروت بی‌پایان منطقه خلیج فارس، نگهداری تسلط امپریالیستی بر این منطقه به عنوان یکی از صدها ترین پایگاه‌های تجاوز علیه کشورهای صومالیالیستی و کشورهای مستقل ملی و بالاخره سرکوب هرگونه جنبش استقلال طلبانه ضد امپریالیستی در ایران و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس است.

هرروز فشارهای تازه‌ای از مردم میهن ما با انگیزه‌های طبقاتی و اجتماعی گوناگون به این نتیجه می‌رسند که رژیم استبداد سیاه کونی به صورت صدها ترین مانع بر سر راه تکامل جامعه به سوی هدف‌های است که آنان برای پیشرفت و تکامل آینده میهن برگزیده‌اند.

نشریات مختلفی که در یک سال گذشته از طرف گروه‌های گوناگون اجتماعی به طور پنهانی و آشکار در زمینه لزوم برانداختن استبداد سیاه کونی پخش شده به‌یادگار این واقعیت است که به موازات مبارزان صحن انقلابی سالهای اخیر، نوسوهای تازه‌ای از جامعه ایران با وابستگی طبقاتی و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون به جنبش در آمده و برای برانداختن استبداد ساواکی به میدان مبارزه فعال گسام گذاشته و می‌گذارند.

بررسی موشکافانه این پدیده نوین در زندگی سیاسی میهن ما روشن می‌سازد که:

۱- رژیم استبداد سیاه محمدرضا شاه با وجود امکانات مالی گسترده، با وجود دستگاه اختیارات ساواک و با وجود تبلیغات گمراه‌کننده، هرروز چه در درون کشور و چه در صحنه بین‌المللی، منفردتر می‌شود و صبر و نشان بله رژیم فاشیستی و جنایت‌پیشه بر پیشانی‌اش نمایان‌تر نقش می‌بندد. تناقضات در درون نزدیک‌ترین اقشار اجتماعی در هر رژیم و حتی در مهم‌ترین پایگاه قدرت، یعنی ارتش هرروز پهن‌تر می‌گردد.

- ۲- جبهه مبارزان ضد رژیم استبدادی کونی گسروش بیشتری می یابد .
- ۳- نیروهایی که هم اکنون در این مبارزه شرکت می جویند و بدین ترتیب نیروهایی که در آینده به آن خواهند پیوست بسیار ناهمگونند . این ناهمگونی هم در زمینه انگیزه های طبقاتی اجتماعی و سبب تمیخت از آن هم در هدف مبارزه ای که در پیش گرفته اند مشاهده می شود .
- ۴- صرف نظر از این ناهمگونی در انگیزه و هدف های دورتر مبارزه ، در یک هدف نزدیک یعنی پایان دادن به استبداد کونی و برانداختن رژیم ساواکی همه این نیروها با هم مشترک هستند .
- ۵- شیوه هایی که این نیروها برای رسیدن به همین نزدیک ترین هدف خود به کار می برند یکسان نیست و در این زمینه گوناگونی فراوان و در مواردی تناقض آشکار دیده می شود .
- ۶- با کنار گذاشتن این فرض که ممکن است در شرایط معینی از تشدید تناقضات در درون هیئت حاکمه ایران و همچنین در درون اردوگاه امپریالیستی شیوایی در رژیم سیاسی کونی ایران در جهت مخالف استبداد کونی به وجود آید ، باید این را برآوردیم که در شرایط کونی هیچ کدام از نیروها سی سازمان یافته و یا پراکنده ، مبارزان و مخالفان رژیم استبدادی کونی توانایی آن را ندارند که به تصبسی استبداد را براندازد . در آینده نزدیک هم نمی توان پذیرفت که یکی از این نیروها بتواند به چنین امکانات دست یابد .

۷- بین نیروهایی که برای رسیدن به این نزدیک ترین هدف مشترک یعنی پایان دادن به استبداد سیاه ساواکی مبارزه می کنند هنوز هیچ گونه هم آهنگی وجود ندارد و به تازگی در بسیاری از موارد ، اختلاف نظرهایی که در این دو مبارزه ، صده و تعیین کننده نیستند موجب برخورد های گس و پدیش فرساینده درونی در جبهه نیروهای ضد رژیم استبدادی می گردد .

۸- ارتجاع سیاه و استبداد دمدمرغاشاه با در دست داشتن یک سازمان مترکز اعتناق سیاه و امکانات مالی و فنی بی مزی برای اجرای این سیاست جنایت آمیز بازیگری موبانه ای از این اغتشاشات در جبهه مخالفین خود بهره گیری می کند و سیاست پراکنده ساز ، به جان هم انداز و سرکوب کن * خود را پیش می برد ، مخالفین خود را جدا جدا سرکوب می کند .

این ها هستند واقعیت های زندگی سیاسی کونی جامعه ایران . این واقعیت ها از یک سبب ضادی آرد و عشقود کننده اند و از سوی دیگر دردناک و کم انگیز . هر حساب ساده به ما می آموزد که تنها هنگامی که این پراکندگی در میان رده های مبارزان ضد رژیم استبدادی به حال کونی اتی باقی بمانند با وجود دشمنی چنین قدر ونگار و جنایتکار نمی توان امید به پیروزی داشت . اما اگر همین گروه های موجود گرد هم آیند و امکانات خود را متحد سازند ، از مجموع این نیروها ، امکانی به مراتب وسیع تر پیدا خواهد شد که می تواند امروز یا فردا و در هر حال به طور نسبی در کوتاه ترین فرصت رژیم استبداد را از پا درآورد و شرایط لازم را برای رشد های جامعه ایران به وجود آورد .

پس چه باید کرد ؟

حزب توده ایران با احساس مسئولیت عظیم تاریخی که همه مبارزان راه پیشرفت اجتماعی و همسسه مخالفین راستین رژیم استبدادی بر دوش دارند از هماهنگ سازی دعوت می کند که به سوی برانداختن سد های گام بردارند که بر سر راه همکاری و مبارزه متحد نیروهای ضد رژیم استبدادی فرا گرفته اند .

حزب توده ایران بر آنست که با احساس مسئولیت و با کبی روشن بینی سیاسی همه مبارزان ضد رژیم استبدادی و مخالفان رژیم کونی می توانند بر این دشواری ها چیره شوند و میان خود وحدت عمل به وجود آورند و جبهه ای برای برانداختن رژیم استبدادی کونی بر پا سازند . برپایه همین اعتقاد صلح است که حزب توده ایران همه مخالفان رژیم کونی ایران را فرا می خواند که برای پایان دادن به استبداد سیاه ساواکی در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری گرد هم آیند . به نظر ما برای شرکت در چنین جبهه ای تنها

در سبب بند شرط ضروری و گاهی است و آن عبارت است از آمادگی برای صیقلی شدن در راه برانداختن رژیم استبدادی، تنها بر پایه بند پیش این یگانه شرط است که می توان جنبه گسترده ای از همه نیروها به وجود آورد و آن راه صورت اهرم نیرومندی برای گرد هم آید جنبش و یگانگی نیروهای شرکت کننده در آن در آورد.

بند پیش شرط پایه ای یاد شده در بالا به عنوان یگانه شرط وظایف مشخص و معینی را در برآورد شرکت کنندگان در چنین جنبه ای می گذارد.

ولی ما در همین حال بر آنیم که بند پیش این شرط و پیروی از آن به هیچ وجه به آن معنی نیست که حرکت کنندگان در چنین جنبه وسیع محدود بکنند و بی گره از مواضع اصولی و هدف گوی های سیاسی دراز مدت و کوتاه مدت خویش را مجبور باشند از دست بدهند و یاد در ارزیابی های اجتنابی خود تجدید نظر نمایند و با این که بخواهند هدفهای سیاسی و با شیوه های صاف خود راه شرکت کنندگان تحمل نمایند.

به نظر ما جنبه تنها به منزله چارچوب است برای گرد هم آوردن متوافق نیروهای گوناگون شرکت کننده در آن و نه کار انداختن متوافق این نیروها در لحظه و محل و سمت گوی مشخص برای به دست آوردن بالاترین نتیجه ممکن.

حزب توده ایران آماده است همگان را با سیاست و تبلیغات و انتشارات و نفس خود را برای بسط چنین گرد هم آید که بدون تردید دارای اهمیت تاریخی است به کار انداختن از آنجا که حزب پایه عنوان یگانه سازمان سیاسی از سازمان و گروه های دیگر صیقلی شدن رژیم دارای مرکز فعالیت قابل دسترس تری است و می تواند هرگونه رابطه کوری را پیش از سازمان و گروه دیگری از دستبرد ساواک در امان نگذارد. از همه مخالفان رژیم که خود را آماده برای شرکت در چنین گرد هم آید می بینند دعوت می کند با سازمان مرکزی حزب رابطه بکنند و در فراهم آوردن تعادل نظری خلاق و وسیع با ما همکاری کنند.

حزب طبقه کارگر و مبارزان دارای اعتقادات مذهبی

در زمانی است که مسئله تناسبات میان مارکسیست‌های چپان جهان یعنی مبارزان طبقه کارگر در راه دگرگونی انقلابی مناسبات کهنه اجتماعی در ایران گام برمی‌دارند، مبارزان انقلابی دارای اعتقادات مذهبی در درجه اول مسلمانان مبارز که در راه به دست آوردن عدالت اجتماعی بر پایه احکام اجتماعی دین اسلام تلاش می‌کنند در محافل اجتماعی میهن‌ما مطرح است.

البته این مسئله‌ای نیست که تنها در کشور ما و آن‌هم در مرحله کنونی تاریخی‌اش مطرح باشد. از همان نخستین روز پیدایش جهان یعنی طبع طبقه کارگر آغاز سازمان مابین مبارزان آگاه راه طبقه کارگر زیر پرچم این جهان یعنی این مسئله مهم مطرح بود و همواره مورد توجه محافل سیاسی دوست و دشمن خلق در همه کشورهای بود. به ویژه در سالهای پس از جنگ دوم جهانی که ملی‌گرایان با پیروزی تاریخی اتحاد شوروی بر فاشیسم ضربه کمر شکنی به امپریالیسم و ارتجاع سپاه جهانی وارد شد. حادثه‌ای که موجب تغییر محسوس و روز افزون تناسب نیروها در سراسر جهان به سود صلح و دموکراسی و آزادی به زبان امپریالیسم و استعمار گردید و تحت تاثیر آن جنبش انقلابی گسترش یافته‌ای سراسر جهان کهنه را فراگرفت و مسئله دگرگونی‌های انقلابی جامعه کهنه در همه جاد در دستور روز قرار گرفت. مناسبات نیروهای هوادار طبقه کارگر و نیروهای مبارز مذهبی، چه در مفاصل جهانی بین کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی و جهان یعنی‌های گوناگون وجه در مفاصل ملی هر کشور، به صورت یکی از صدها ترین مسائل اجتماعی‌روز در آمد.

مارکسیست‌ها با آموزش از جهان یعنی طبع خود به این حقیقت ایمان دارند که انقلاب راتوده‌ها و ملیونی زحمتکشان شهر و ده انجام می‌دهند و آنها به این حقیقت هم‌آگاهند که بخش بزرگی از این توده‌ها ملیونی به اعتقاد از مذهبی خود پایند هستند. مارکسیست‌ها می‌دانند که بدون همکاری انقلابی مبارزان راه طبقه کارگر و مبارزان انقلابی دارای اعتقادات مذهبی مشکلات اخلاقی بر سر راه پیروزی انقلاب اجتماعی پدید می‌شود. آنها خوب آگاهند که ارتجاع حمله‌گر کهنه کار با تمام وساطتی که در دست دارد، می‌تواند اعتقادات مذهبی توده‌های زحمتکشان را در جهت دشمنی با نیروهای انقلابی هوادار راه و جهان یعنی طبقه کارگر برانگیزد و آتش دشمنی و نفاق را میان زحمتکشان دامن زند و از همکاری انقلابی آنان جلوگیری نماید. باید پذیرفت که این تلاش ارتجاع‌گره بسیار خیلی از تاریخ همه کشورهای و بیشتر با موفقیت همراه بوده

است، با این تلاش، ارتجاع توانسته است مدتهای طولانی بخشی از زحمتکشان را علیه نیروهای انقلابی بسیج کند و با کمک آنها مقاصد فارتزگانه و شمشکانه خود را نه تنها به مخالفین و مبارزان انقلابی، بلکه به خود این زحمتکشان مذهبی نیز تحمیل نماید.

ارتجاع نه تنها پس از پیروزی مارکسیسم، به عنوان جهان بینی، بلکه فریبنا و قرن ها پیش از آن با همین حربه به جنبش های آزاد پیخواها نه و هوادار عدالت اجتماعی و پیشرفت مبارزه کربوه آنها را سرکوب نموده است. این واقعیتی است که تاریخ مبارزات اجتماعی همه کشورهای جهان و از آن جمله تاریخ پر درد و رنج مبارزات نیروهای هوادار عدالت اجتماعی، استقلال ملی و آزادی و پیشرفت در کشور ما به طور روشنی تأیید می کند.

در طول تاریخ همه اجتماعات بشری نمونه های بسیاری از این واقعیت به چشم می خورد که در دوران های گذشته حتی جنبش های مذهبی طرفدار عدالت اجتماعی را ارتجاع شمشک با حربه بسیار باسی در پی سرکوب کرده و در این راه تا حد زیادی از امتقادات مذهبی ناآگاهترین قشرهای تودرنجبر و محروم بهره برداری نموده است.

■

اما واقعیت باز د بگری هم در جهان به چشم می خورد و آن این است که در هر جا که جنبش انقلابی با سمت گیری در جهت دفاع از منافع طبقات زحمتکش و محروم دامنه گسترده ای پیدا کرده و نیرو های وسیعی از خلق را بسیج نموده، مبارزان مذهبی نیز دوش به دوش برادران طبقاتی خود که از جهان بینی های غیر مذهبی و یا از مذاهب دیگر پیروی می کردند، در صفوف نبرد شرکت کرده و همراه مبارزان دیگر با خون خود پرچم های نبرد را رنگین ساخته و گام به گام به سوی پیروزی پیش رفته اند.

شلی دور نمی روم. به انقلابی که به رهبری حزب بلشویک، حزبی که زیر پرچم مارکسیسم-لنینیسم مبارزه می کرد، انجام گرفت و طی بزرگترین نبرد تاریخی طبقات زحمتکش و محروم علیه ارتجاع داخلی و بیگانه به پیروزی رسید. نظر می افکند، درست است که حزب بلشویک، حزب کمونیستی کشور پهنسا وری مانند امپراتوری روسیه این انقلاب را رهبری کرد، ولی عمل انقلابی شرکت میلیون ها کارگر و دهقان روس و شتفر متعلق به دها ملت و ملیت بزرگ و کوچک روسیه و وابستگان به مذاهب و فرق گوناگون مذهبی انجام گرفته، ارتجاع تزاری در تمام دوران مقابله با هواداران انقلابی مارکسیسم، می کوشید که دست طبقات محالیه مذهبی (کلیسای ارتدوکس و تراجاع ارتجاعی میان روحانیون اسلامی) از گرا پیش توده های وسیع زحمتکشان شهر و ده به جنبش انقلابی جلوگیری کند. آن کشش ها و ملامت های مرتجسی که خود خون مردم را می مکند، نه از هیچ گونه همکاری و پشتیبانی از این سیاست جنایت بار تزاریم، سیاست " جدا ساز پیه جان هم انداز و سرکوب کن " دریغ نمی کردند. ولی جنبش انقلابی نیرومند تر از این تلاش ها و دست و پا زدن های دم مرگ تزاریم و ارتجاع سپاه روسیه بود. نیروهای خلق که در میان آن ها افراد معدین و متعلق به مذاهب مسیحی (ارتدوکس) و نیز مسلمان (شیعه و سنی) و دهها و دهها فرق مذهبی دیگر شرکت داشته اند تا وابستگان به ملیت های گوناگون روس و اوکرائینی، ازبک و آذربایجانی و ارمنی دست به دست هم دادند و پیو بردگی را درهم شکستند و با هم شاهراه حرکت بسه سوی آزادی و خوشبختی را گشودند. انقلاب اکثر آزادی وجدان و از جمله آزادی مذهب راه رسمیت شناخت و این اصل در قانون اساسی این کشور منعکس گردید.

پس از پیروزی اولین انقلاب سوسیالیستی در روسیه زیر پرچم مارکسیسم-لنینیسم، امپریالیسم و ارتجاع سپاه جهانی با تمام دستگه پر دامنه تبلیغات و رضیور ازانه و مردم فریانه خود کوشیدند تا اعتقاد مذهبی توده های مذهبی کشورهای خود را طیه خود را طیه اولین کشور سوسیالیستی که در حقیقت نیرومند ترین بخش جبهه نبرد میان کار و سرمایه، میان پیشرفت و ارتجاع و میان عدالت اجتماعی و فارتزگری طبقاتی را

شکل می داد، بر انگیزند و بر این پایه همکاری انقلابی میان نیروهای مذهبی و مبارزان راه طبقه کارگرا در کشور خود غیر ممکن سازند.

باز هم تاریخ نشان می دهد که این تلاش در عین این که در دوران ها و بخش های جداگانه نبوده است کم و بیش با موفقیت روبرو شود ولی نتوانست مدتی قابل موقری در برابر این همکاری که از راه قدرت اجتناب ناپذیر تاریخی سر چشم می گیرد، به وجود آورد.

در دوره های پراختش مبارزه خلق ها طبقه فاشیسم در همه کشورهای اروپایی همکاری انقلابی بین مبارزان واقعی مذهبی و پیروان جهان بینی طبقه کارگر پدید شد و محصول آن به صورت جنبش واحدی از احزاب کارگری مارکسیست - لنینیست با احزاب دموکرات مذهبی در آمد و در اثر این اتحاد در کشورهای اروپای شرقی شالوده جامعه نوین سوسیالیستی که همواره تکامل بیشتری می باید، ریخته شد.

حتی در کشورهای سرمایه داری غرب هم که مرکز قدرت امپریالیسم جهانی هستند، امپریالیست ها و رنجه من نتوانستند برای همیشه حد های را که در راه گسترش همکاری زحمتکشان هوادار مارکسیسم و زحمتکشان مذهبی به وجود آورده بودند، پایدار نگاه دارند. در این سده ها هر روز ترک تازه ای به وجود می آید که موجودیتشان را به خطر می اندازد.

ما اکنون شاهد یک روند تاریخی بسیار با اهمیت از لحاظ نزدیکی همکاری زحمتکشان مذهبی و هواداران جهان بینی طبقه کارگر در میدان واقعی نبود به حاضر در کانون های بنیاد، در نظام کونیفو پوسیده سرمایه داری مانگر انحصاری هستیم. در فرانسه و ایتالیا، کشورهای که مذهب کاتولیک ریشه نفوذ عمیق تاریخی داشته و این نفوذ را همیشه برای جدا ساختن زحمتکشان مذهبی از بسویاران مارکسیست شان به کار برده اند، گسترش پدیده نوین گرایش به سمت همکاری در نبود به طریقی به چشم می خورد. گرایش به سوی همکاری بین این نیروها در کشورهای فاشیسم زده در حال رشد امریکای لاتین نیز گسترش می یابد. حتی در شبلی که در جریان سرنگون ساختن حکومت ملی سالوادور آگنده ارتجاع موفق شد با استفاده از تاثیر مقامات ارتجاعی کلیسا پشتیبانی بخشی از زحمتکشان مذهبی را برای خیانت حمایت با رغود تا مین کند، تاثیر واقفیت نهاد های آشتی ناپذیر اجتماعی توانست امت ایمن پایگاه ارتجاع سپاه فاشیستی را متزلزل سازد. زحمتکشان مذهبی هر روز بیشتر به اشتباه و گمراهی خود بین می برند و برای همکاری با کونیست ها و سوسیالیست های شبلی آمادگی نشان می دهند.

۱۱

برای مردم ما چه ویژه برای مبارزان مذهبی در میهن ما چگونگی مناسبات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب کونیستی و کارگری با جنبش های مترقی وطن اسلامی در کشورهای اسلامی چه در آنجا هایی که این جنبش ها پیروز شده و قدرت دولتی را در دست گرفته اند چه در حالتی که این جنبش ها در نبود با امپریالیسم و ارتجاع محلی در گیر هستند، می تواند بارزترین نمونه بسرای همکاری انقلابی بخش میان نیروهای مبارز مذهبی و هواداران مارکسیسم باشد. این همکاری عظیم که اکنون دهها سال است به طور در خشنی در برابر چشم همه مسلمانان جهان جای گرفته و هر روز ثمرات تازه ای می دهد، به بهترین وجهی شاهد این ضرورت تاریخی دوران ماست که مبارزان را استقلال ملی، آزادی و عدالت اجتماعی بیشتریست - امم از معتقدان به مذهب و با مارکسیست ها - تنها از راه همکاری همه جانبه با نیروی مذهب طبقه کارگر جهانی و به ویژه با آن بخشی از این نیرو که در کشور خود برهم قدرت انقلابی را برافراشته و محکم ترین دژها و سنگرهای جنبه جهانی نبود طبقه امپریالیسم را برپا ساخته اند، می توانند در کو تا هترین زمان و بهترین اشکال بهره برداری از نیروهای خویش به آماج های عدالت خواهانه، آزاد پخواهانه و ترقی خواهانه خود برسند.

مناسبات در حال گسترش اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی اتحاد شوروی که یک کشور کلاسیک سوسیالیستی است با جمهوری عربی لهی، کشوری که در آن قدرت دولتی در دست کمانی است که به طور پیگیر از احکام اسلامی پیروی می کند، یکی از بهترین نمونه های این همکاری ثمر بخش است. رهبران انقلابی مسلمان لهی مانند مبارز نامدار جنبش انقلابی اسلامی در کشورهای عربی، محسبال همدان ناصر، با تجربه شخصی خود در میدان مبارزه در یافتن که راستین ترین و پیگیرترین دوستان جنبش استقلال طلبانه و مدالت جو پانته خلق های مسلمان عرب همانا کشورهای خانواده سوسیالیستی و حزب راستین کمونیستی و کارگری هستند. آنها این توانایی را در خود یافتند که سد های دربین ایجاد شده به وسیله ارنجاک در هم شکند و برده های ربا و دروغ و تزویرا پاره کنند و سانی همکاری تاریخی خلق های کشور خود را با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و در درجه اول با اتحاد شوروی، بزرگترین و نیرومندترین گردان این جنبش پایه گذاری کنند. مناسبات دوستانه و پشتیبانی برادرانه کشورهای سوسیالیستی از کشور عربی مسلمان لهی یگانه نمونه نیست. همین مناسبات بی شائبه حتی بسر پشتیبانی همه جانبه از خواست های استقلال طلبانه و ترقی خواهانه میان اتحاد شوروی از یک سو و عراق الجزایر، همین جنبش، سوریه ازسوی دیگر وجود دارد و هرروز توسعه می یابد.

نمونه عالی پشتیبانی از مبارزات انقلابی خلق های مسلمان در مناسبات برادرانه و کمک هسی در رنج کشورهای سوسیالیستی و هم جنبش راستین کمونیستی جهان به جنبش انقلابی خلق فلسطین منجلی است. همه می دانیم هنگامی که ارتجاع عرب به رهبری پادشاه به اصطلاح سلمان اردن هاشمی با همکاری امپریالیست ها و صیونست های اسرائیل حمله حیانتکارانه خود را علیه جنبش انقلابی خلق فلسطین آغاز کرد کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی با به دیگر سخن مارکسیست های راستین سراسر جهان به پشتیبانی مادی و سیاسی و معنوی جنبش فلسطین برخاستند و کمک های همیشگی خود را به میزان بی سابقه ای افزودند. امروز هم این واقعیت را همه می دانند که تمام تلاش ارتجاع عرب، صهیونیست های اسرائیل و امپریالیست های امریکایی در این جهت است که نگذارند خلق فلسطین سرنوشت خوبی را به دست گیرد و مانند همه خلق های جهان مبهینی داشته باشند و راه پیشراف اجتنابی را برای آینده خویش بگشاید و تشنه کوه های سوسیالیستی هستند که در پیشاپیش همه نیروهای مترقی جهان تمام امکانات خود را در این جهت به کار انداخته اند که خلق مسلمان فلسطین به این آرزوی ملی خوب دست یابد. خود جنبش انقلابی خلق فلسطین یکی از نمونه های درخشان همکاری انقلابی مبارزان مسلمان و مبارزان مارکسیست - لنینیست را نشان می دهد. آنچه این مبارزان را با هم یگانه می سازد هستی خلق فلسطین و آزادی و آینده درخشان و شکوفان این خلق است و مسئله عید نیز همین است.

این ها بود چند نمونه از همکاری انقلابی مارکسیست - لنینیست ها و جنبش های مترقی خلق های مسلمان در جهان. تاریخ مبین و جامه خودمان هم شاهد گویای ثمر بخشی این همکاری است. در نخستین روز، این همکاری به چشم می خورد. همکاری انقلابیون مارکسیست ایران به رهبری حیدر مصفاطی بخش مهم دیگری از جنبش مشروطیت که زیر رهبری روحانیون مبارز بود روحانی نادر اری مانند ملطفا لنتکین در پیشاپیش آنان گام بر می داشت، همکاری انقلابی مسلمان مبارز شیخ محمد حبیبی با مارکسیست های ایران و با کوه رنوزاد نیروی، همکاری انقلابی مسلمان عالیقدر و مبارز پیگروابط قزوینی با انقلابیون مارکسیست و نمونه های بسیار زیاد دیگر، اولین صفحات این همکاری تاریخی در جبهه مبارزه را تشکیل می دهد.

حزب کمونیست ایران وین از آن ادامه دهنده راهش، حزب نود، ایران از همان آغاز فعالیت سیاسی خود به این واقعیت آگاهی داشتند و آن را با تمام وزنش به حساب می گذاشتند که اگر فعالیت زحمتکشان خلق های ایران را مسلمانان تشکیل می دهند. حزب ما به این واقعیت آگاه بود که نه تنها

اکثریت عظیم خلق های ایران مسلمانان معتقد هستند، بلکه اکثریت همان نیروهای که در مبارزه بسوی آزادی و استقلال ملی وزندگی بهتر در صفوف مبارزه زیر پرچم و یازیر رهبری حزب ما مبارزه خواهند نمود. کرد از مسلمانان معتقد تشکیلات می شود. ما خوب می دانستیم که اکثریت مطلق پیش از این، میلیون ها دهقانان که در اتحاد به های دهقانی زیر رهبری حزب توده ایران به دست آوردن زمین و وسائل کشاورزی مبارزه می کردند مسلمانان معتقد بودند. آنها با وجود تمام تبلیغات زهر آگین دشمنان خلق کسسه می گویند حزب ما را از جنبش خلق جدا سازند، به سازمان های وابسته و زیر رهبری حزب پروتور. بود. برای این که با تجربه شخصی خود به این نتیجه رسیده بودند که تنها حزب توده ایران، حزب مارکسیست - لنینیست های ایران صادقانه با همکاری از خواست های واقعی آنان پشتیبانی کند و حاضر است در عمل همه امکانات خود را برای رسیدن به این خواست ها در اختیار آنان بگذارد. بدون آن که از آنها بخواهد که از اعتقادات مذهبی خود دست بردارند. همین طور راست در مورد اکثریت اصحاب اتحاد به های کارگری سراسری ایران که زیر پرچم شورای متحد و مرکزی در همکاری نزدیك با حزب توده ایران برای آزادی و استقلال ملی و حقوق حقه کارگران مبارزه می کرد.

میدان مبارزه برای پشتیبانی از جنبش جهانی صلح و پیشگیری از جنگ جهانی سوم است نیز شاهد گویایی از همکاری بارآور حزب توده ایران با روحانیون پیشرو دست و دانت خواه است. جنبش صلح ایران چهره در خشان روحانی مال بقدری مانند آیت الله بروجردی که ملی رغم همه مخالفت ها شعاعت و تحریکات با شهادت و شجاعت همه شخصیت بارز روحانی و اجتماعی، خود را در خدمت امر صلح جهانی گذارد هرگز فراموش نمی کند.

حزب توده ایران همیشه مبارزان مسلمان را حتی هنگامی که با حزب ما هم مناسبات دوستانه و نشاندن بدادند و در صورتی که صادقانه در راه خلق و در راه برانداختن استبداد سیاه سیاسی و باستان دادن به فارتگری بی بند و بار اقتصادی علیه طبقات حاکمه فارتگرو خونخوارانه میدان کارده فلسفی گذاشته اند. مستخدم شمرده و همواره دست دوستی و همکاری و اتحاد را به سوی آنان دراز کرده است.

برای حزب ما همکاری با نیروهای بالادست و با نفوذ خلقی که معتقد به دین اسلام هستند یکی مسئله تاکتیکی و گذران نیست. حزب ما این همکاری را یکی از پایه های استراتژی دراز مدت خود برای پاسمان دادن به برنامهای رژیم کمونیستی استقرار رژیم ملی و دیموکراتیک متکی به رای اکثریت خلق و حرکت به سوی ایجاد پایه های جامعه سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی گسترش یافته می دانست. ادامه همکاری دراز مدت مذکور و همبند و مارکسیست ها در کشورهای سوسیالیستی و حتی در جایی که پایه های مادی و فنی کمونیسم را بر پا می سازند بهترین شاهد درستی این ادعای حزب ما است. البته ما هنوز راه درازی برای رسیدن به آن مراحل در پیش داریم. آنچه اکنون به عنوان هدف و حرم ترین و شهمبرابر همه نیروهای آزاد خواه، بهترین پرست و انسان دوست و عدالت خواه قرار گرفته برانداختن رژیم جنایت پیشه و فارتگرو استبداد مستبد رضا شاه می است. این و نتیجه آسانی نیست. دشمنان خلق ها وسیله مانیوی عظیم مادی در اختیار دارد، از حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی برخوردار است و مهارت و موی پانه از پی خیری بخش وسیعی از زحمتکاران، از چند ده سگی نیروهای مبارز ضد رژیم بهره برداری می کند و گردان های پراکنده و جنبش خلق را از هم جدا می سازد، با توطئه به جان هم می اندازد و یك آن ها را سرکوب نماید.

در چنین شرایطی هر روز تا خیر در پا به گذاری و تحکیم مانیوی همکاری میان نیروهای مبارز ضد رژیم آبی است که به آسباب دشمن ریخته می شود.

آچه میان مبارزان راه طبقه کارگر، مارکسیست - لنینیست ها و نیروهای مبارز و عدالت خواه مذهبی دارای اهمیت اساسی است، هدف مشترک آنها برانداختن استبداد و تأمین عدالت اجتماعی به سود سحر و صاف و فطرت شوندگان است.

حزب توده ایران همان طوری که همیشه نظر داده است بر آنست که نیروهای متکی به مردم زحمتکش و فترهای سپهن پرست همواره می‌توانند بر پایه استوار احترام به نظر اکثریت خلق با هم بروی مسائل فوری کنار آیند و در هر لحظه و برای بازگردن هرگز در شواری مناسب ترین راه را پدید آید .

درست بر همین پایه است که حزب توده ایران امر همکاری با سایر نیروهای مبارز راه خلق و هوادار عدالت اجتماعی را یکی از پایه های سیاست خود قرار داده و با پیگیری مستمری ناپذیری در راه به وجود آوردن این اتحاد که اولین گام مهم ، موثر و ضروری تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری برای براندازی نخستین استبداد کونی است ، تلاش می‌کند .

ما اطمینان داریم که ملی رزم همه پیشداوری های موجود در میان مبارزان مذهبی و سایر گروه های مبارز راستین راه خلق و سایر مخالفان رژیم استبداد ، ملی رزم همه تلاشهای غرقانده از آنسه رژیم سپاه ساواکی ، جنبش آزاد یخواهانه و سپهن پرستانه مردم ناگام به گام به سوی ایجاد چنین جبهه های پیش خواهد رفت .

مذهب و ملت‌گرایی

درباره روش حزب توده ایران نسبت به مذهب و ملت‌گرایی (ناسیونالیسم) در گذشته‌ها بود بلکه ایران و مضبوطات و نشریات حزب بارها توضیحات روشن کننده داده ایم. ولی بدیهی است که در شرایط کنونی - هنگامی که سند رابسته و سکه راگشاده اند - آوای حزب به همگان نمی‌رسد و ضرورت آن بدین می‌آید که مطلبی بازهم تکرار شود.

کسانی از روی خیرخواهی نسبت به ما و علاقه به مردم گاه می‌گویند: آیا بهتر نیست که حزب توده ایران در جهت هماهنگی ساختن مارکسیسم و اسلام گام بردارد، یکی بودن محتوی آن دروا میهن سازد، از انترناسیونالیسم که بهانه می‌دهد اورا دنبال روی "اگر در وقت شوری معرفی کنند، از حالا تا به سر و زی سوسیالیسم در مقیاس جهانی (که به نظر این خیرخواهان در آن موقع اعلام انترناسیونالیسم البته مسرور است) دست بردارد و پرچم ملت‌گرایی را برافرازد: تا بتواند توده‌های عقب مانده را به دنبال خود بکشد و خود را از "انفراد" خارج سازد، برای آن که در واقع قادر گردد به ساطع و وزعی استبداد را در برچیند؟

این سخنانی است که از روی نیت خصمانه می‌طرح نمی‌شود و مسلماً از جهت لحن و شیوه طرح مطلب با آن طرز گدایی ردیف کردن انواع دشنام‌ها و اعتراض‌ها، تفاوت فاحش دارد. سعی می‌کنیم به این مطلب کوتاه و روشن پاسخ دهیم.

از مذهب آغاز کنیم: جهان بینی حزب توده ایران، همان که در برنامه اش تصریح شده، مارکسیسم-لنینیسم است، که جهان بینی علمی و انتقالی طبقه کارگراست. جهان بینی عقبه‌های اسلامی از جهت پیش خود، درباره همه ایش عالم و توانین آن و درباره انسان و حال و آیند مانی وجه مشترکی با این جهان بینی ندارد. لذا ما که در تعیین جهان بینی حزب خود نه لحظه و محل محدود، بلکه سیر تکاملی بشریت و ابعاد جهانی، فواصل زمانی را در نظر می‌گیریم و مطمئنیم که اشکال غیروطنی و غیروطنی تنگ‌نظره، به این نحو یا آن نحو، جای خویش را به اشکال عقلی و علمی خواهند داد و دست به شمشیر و فریب پرگانتیک و سودا گران نمی‌زنیم و برای نبل به "انتر بخش" کوتاه مدت اصولیت و استواری اصولی خود را، کداری، انتر بخشی دراز مدت است ندانی کنیم.

دین اسلام و از آن جمله مذهب جمعی (شیعه اثناعشریه) مذهب رسمی کشور ما مورد اعتقاد توده‌های مردم کشور ماست. روش ما احترام صمیمی به توده‌های مردم و معتقدات آنان است. علاوه بر

احترام به مردم و معتقدات مردم که ماراموظف می‌کند به اسلام و تشیع حرمت گذاریم ، دو عامل نیز برای امر مزید می‌شود :

الف - اسلام در تحول و پیشرفت مثبت جامعه ما و نوزایی فرهنگی آن تاثیر مستقیم داشته است . اسلام نسبت به برخی ادیان خصلت اثباتی و هیجانی بیشتری دارد و احکام فراوانی از آن در خسورد شمیر به سود اندیشه های مترقی عصر ماست و ما هرگاه می‌بینیم که عدوای مسلمانان این احکام را برجست می‌کنند و آن را حربه نبرد و پیشرفت قرائین دهنده بنوع خود شادمان می‌شوم . جمله " دنیا " (دوردوم) از نخستین طراحان این مسئله در نوشته های فارسی بود . ما در موقع خود آیات متعددی از قرآن (رجوع کنید به مجله ترجمه نیما مقاله ر . نامور تحت عنوان " اسلام و نهفتن رها می بخش میهن ما ") ، شماره ۲ - سال ششم) . به نظر ما اگر بین جهان بینی و بینش صومئ مارکسیستی و اسلامی وجه مشترکی نباشد ، ولی مارکسیست ها و مسلمانان کاملاً می‌توانند در تنظیم برنامه اجتماعی تحول مترقی کشور ما در شرایط کنونی به زبان مشترک برسند .

بد تشیع که در بین فرق اسلامی در ایران طرفداران به مراتب بیشتری دارد از همان آغاز تصلیط اعراب و در دست اولاد علی و عد انعمان فراوان ایرانی آنها به درفش نبرد در راه استقلال ماطله خلافت بغداد علیه سبطره امیران و سلطانان ترک ، علیه تجار و بزرگان محفول و تاتار و خوند کاران مثنائی و خانان اهلک مدل شد و بسیاری سنن اصیل ایرانی را در خود حفظ کرد . به علاوه برخی از چهره های تشیع به ویژه علی بن ابیطالب و حسین بن علی و مبارزات مردانه و شخصیت انسانی آنها مورد احترام عمیق ماست و حزب توده ایران از همان آغاز تاسیس خود این احساس را بیان کرده است . سخن مسلسلی : " کن للظالم خصماً و للمظلوم عوناً " از شماره های جاری حزب مابود . روز عاشورای حسینی ، باشگاه مرکزی حزب پرچم سیاه می‌افراشت . آری در آن موقع برخی از اعضا نادان در حزب بودند که علی رفع سیاست صریح حزب و با نقی کامل رهنمود های کلاسیک های مارکسیستی (مارکس ، انگلس ، لنین) ، به تظاهرات خنک علیه عقاید و آداب مذهبی مردم دست می‌زدند . برخی ها از نادانی ویرخلدی برگزاشند به نصت خرابکاری . ولی همیشه علیه این نوع روش ها از طرف رهبری و اکثریت مطلق رفقای حزبی به شدت اعتراض می‌شده است .

لذا ما با تلاشی که اکنون در ایران می‌شود ، و به اعتقاد ما طراح اولیه آن از ۳۰ سال پیش خود مابودیم (اسناد آن : از جمله سرقاله های ارگانه های حزب در روز عاشورا) یعنی برجسته کردن مبارزه حسین علیه یزید عصر ماست و کاملاً مواضعی براد یوی حزب بارها درست در همین زمینه گفتارها بخش کرده است و می‌کند .

ما آماده ایم با مذ همیون مترقی ، نه فقط برای دوران های کوتاه مدت تا کنون ، بلکه برای دوران های تاریخی دراز مدت ، صحنه ها همکاری کنیم . در کشورهای سوسیالیستی ، پس از ده سال گذشت از انقلاب ، نه فقط موسسات و اموال و مدارس و مقامات و نشریات ادواری و شیواژواری مذهبی باقی است ، بلکه در برخی از آنها مذ همیون صاحب مهم ترین مقامات رسمی مانند معاون نخست وزیر ، وزیر رنجی و مجلس و غیره اند .

تجلیاتی که درباره روش ما نسبت به مذ همیون شود جزئی از شیادی و صیحنی است که امر با لیس و ارتجاع در این دوران های تحول و انحطاط خود ، در آرزوی برآورده نشدن خط خویش به راه انداخته اند . آری آنها با این تبلیغات سعی می‌کنند کسانی را گول بزنند و گول هم می‌زنند . ولی چاره آن ، این نیست که ما در مشی خود ، احوجاج غیر صادقانه ای ایجاد کنیم و طیفه نداریم که روش ما در جامعه ایران دچار انفراد می‌شود . تجربه گذشته جز این نشان داده است . به هر صورت مسأله طرفداران سرسخت همکاری توده ای ها (مارکسیست ها) و مسلمانان مترقی هستیم و در این راه به نوبه

خود خواهیم کوشید .

اینکه چند گلمه درباره " ملت گرای " ، ماده دو نوع " ملت گرای " در عصر گردمان معتقدیم ، نخست گرای مرفعی یعنی ضد امپریالیستی و ضد اندامی و بدو امان علاج و ترقی اجتماعی . چنین ملت گرایانی اگر چه از قشرهای بورژوا و خرده بورژوا گاه ماله باشند (زیواطت گرای ایدئولوژی سیاسی آنهاست ، نه پرولتاریا) ، باریان جنبش مردم و ما هم آنها را محترم می شمیریم و حاضر به همکاری صمیمانه با آنها هستیم زین ملت گرای ارتجاعی که با وجود نظا هرات " یقه دران " و " رگ گردن " درباره " مپمن عزیز " ، عملاً بسا امپریالیسم سزاک می کند و دوا پیش باشاه بر سر قدرت است و همه کارهای خود را اول کرده ، افتاده دنیا ل بد و خواه گتن به شوروی و حزب توده ایران ، ما با این جنبش سر هم کاری نداریم ، برعکس ، با آن بسیار می کشیم اما این که خودمان به خاطر " وجهه " به گروه معلوم الحال افترزان به کشورهای سوسیالیستی پیوندیم ، مجلسی معذرت می یواهم . ما نیال چنین " وجهه های " نمی رویم و عقید ، هم نداریم گسه " ضد شوروی بودن " از آن جمله در کشور ما در میان توده ها (نه در میان قشر مرفعی از روشنفکران) وجهه ای ایجاد می کند . برعکس ، توده ها باشم خود دست و دشمن را می شناسند و از چنین " طبخون " حلقه بازی روی بر می گردانند .

اما اگر از " ملت گرای " (یعنی ناسیونالیسم) مطلب رایجی بگری یعنی به " مپمن پرستس " (یعنی پارتوئیسم) بکشانیم ، آنگاه نصیبه به کلی شکل دیگری به خود می گیرد . ما خود را از زیره اصیل ترین ، پیگیرترین ، معتقدترین ، پر شورترین ، خادم ترین مپمن پرستان ایران می دانیم :

ما شیفته خلق های کشور خود و سعادت تیرها و به رفرت آنها هستیم ؛
 ما مدافع تمامیت ارضی و استقلال کامل حیاسی ، اقتصادی و کشر هستیم ؛
 ما قاعد نداریم کشور خود را به کشور دست نشانده امدی بدل کنیم و اعتقاد داریم که کشور های سوسیالیستی ، طبق سرشت سازمان اجتماعی خود ، هرگز ما بل به دست نشانده ساختن کشوری دیگر نیستند . تجربه تاریخی کشورهای سوسیالیستی نشان داد که سوسیالیسم تنها به آنها امکان یک ترفی جنبشی حیرت انگیز مادی و معنوی عطا کرده است و کشور دست نشانده نمی تواند چنین کشوری باشد . ما به مراتب پیش از مدعیان رازدار دست هدایت خاکه گرفته ، آمدن میان به اصطلاح " چپ " بده فرهنگ و نظام دل بسته ام زیرا از آن وسیع تر باخبریم ، آن را زرف تر بررسی می کنیم تا آن رایج حریه تیر امریز برای سعادت فردا بدل سازیم .

تمام این افسانه های قلابی درباره این که گویا حزب توده ایران " ستیزینجم سوسیال امپریالیسم روس " است ، و تمام این حملات خافانه اختراع بدشتی سردمداران چپ نما ، در آخرین تحلیل ، از طرف امپریالیسم و طبقه انقلاب جهانی و انقلاب ایران جمل شد فاست . اگر شخصی مغرض نیست ، بسیار با بسد ساد باهد که این مطلب روغن رانفشد .

این مواضع ما ، یعنی احترام صادقانه به اسلام و تقسیم و رجال جاوید این دین و سیاست اصولی ما در این زمینه ، مپمن پرستی صبیق ما ، احترام ما به ناسیونالیسم های مرفعی حتما و حقا باید با جزایان مذموب و ملی را ، اگر چه چار خلیجانات " نبلانی " نیستند ، به همکاری با حزب توده ایران جلب کند . حزب توده ایران مانند همه سازمان های حیاسی ، گذشته و حال در ایران از مب و نقی در و رتو در اشخاصی تهی نبوده و نمی توانست باشد . ولی این محابب به گاه با همه چدی بودنش ، به کلی در مجبوه تمامیت این حزب دارای جنبه فرعی است . هر فرد ما گروهی دوری کند که حق در تمامیت کوچک خود از اشتباهات بزرگ صوبن بوده ، تنها بدعی است . حزب توده ایران ۳۰ سال است در طبقه و صمیمی فعال است .

امید است این نکات به کسانی که آماده روشن شدن اند ، کمک کند تا روشن شوند .

رژیم و مذهب

رژیم کنونی ایران ، به پیروی از رژیم های همانند خود در کشورهای سرمایه داری ، به همه مسائل مکتب وحشی متباین ، از تشویق و اشاعه " بسکس" گرفته تا عطا هرات مذهبی ، متوسل شده و می شود تنها برای آن که خود را از " اثبات ولایت" جنبش خلق محفوظ نگاه دارد .

تاریخ کشور ما نشان می دهد که مابین مذهب و روحانیون شیعه از سوس و شاهان صرازموی دیگر بارها کار به دشمنی و برخورد کشیده است: نقش که روحانیون شرقی در تدارک زمینه فکری مشروطیت و سپس در خود جریان مشروطیت بازی کرده اند و مخالفت آنها با استبداد قاجار ، نقش برخی از روحانیون آزاد پیخواه در مبارزه با دیکتاتوری رضاشاه ، مبارزات جمعی از روحانیون مترقی در دوران حکومت مطلقه محمد رضاشاه ، نمونه های تاریخی مشخصی است که این حکم را اثبات می کند . عمل مکرر در مکتب روحانیون مترقی و آزاد پیخواه علیه تجاوزات رژیم و حامیان امپریالیستی رژیم راه تنظیم یک سیاست خدعه گسترانه مذهبی الهام داده است .

مضمونی این سیاست مذهبی عبارت است از : (۱) ایجاد یک روحانیت فرمان پذیر ، (۲) عطا هرات وسیع و اغرضانه به دین داری ، (۳) نظارت پلیسی بر فعالیت مذهب مردم ، برای آن که از خطه مجاز خارج نشوند ، (۴) استفاده از مذهب به عنوان حربه معنوی نبرد فکری علیه نیروهای ضد رژیم و نظریات مترقی و انقلابی و همچنین علیه روحانیون و مذهب هجویی که زیر بار رژیم نمی روند و از احکام مذهب غسبری که مطابق میل رژیم نیست مرخص می دارند .

در این زمینه رژیم تاکنون گام های فراوانی برداشته است : یک فشر از روحانیون با روحانیان خاصان وابسته به ساواک به وجود آورده که منبر و مسجد و کرسی تدریس را تصرف کرده اند و مذهب را تنها به عبادت و دعا گویی و مرتبه خوانی همراه با تعلق از شاه و رژیمش بدل ساخته اند ، به وسیله اداره اوقاف کنترل شده رژیم از " انگیزه اقتصادی " برای رام کردن روحانیت و مذهب هجویی استفاده می کند ، به کمک شسر بحتمداران گوش به فرمان یا سازشکاران از طریق دارالتخلیج ها و نشریات وابسته به آن ها می گویند اسلام و تشیع را از جوهر صیانتگری که در آن وجود دارد هاری سازد و آن راه مذهب تسلیم و تقوی می داند به وزارت ، ترک دنیا و آخرت پرستی بدل نماید ، در نتیجه این سیاست روحانیون مقاوم یا از کمر طرد و با

زندانی و پایش رحمانه ناپدید می شوند برای نیابتش این جنایات سرودن اران رزم به تجدید مباحثه با مسلمانان شرح امام رضا و چاپ کردن کلام الله و مسجد سازی و افکندن سفره های مذہبی و مسافرت به مشاهد مقدس و انواع دیگر تجلی هرات دست می زنند و عشاء عتی مدعی ارتباط مستقیم با عدل او اقامه می شود و خود را موجودی مقدس و وارث طبعی اجداد می نماید !

یکی از بدیه های که رزم از آن سخت نگران و هراسان است هارست از بدیه پیدایش و تشکیل قشری از مذہبیون انقلابی که برخلاف روحانی نمایان وابسته به ساواک ، مذہب را بر حسب سنت اقمه مکتوب و شیعہ مانند علی و حسین ، نوحی مبارزه و جہاد در راه عقیده و تحمل خطرات و صعوبات این جہاد میدانند و تقیه و تسلیم به جور و جایز را جایز نمی شمرند . بخشی از این مذہبیون ، با برجسته کردن مذہب و مسکن دموکراتیک در اسلام و تشیع و عیسویتش از مذہب می دهند و آنرا به یک ایدئولوژی پیگار جوانانه . بدل می کنند (۱) . بخشی دیگر از آنها حتی تا آنجا می روند که مابین آموزش اسلام و آموزش مارکسیست - سوسیالیستی تناقضی نمی بینند و در مدد آشتی دادن این دو آموزش با هم بر می آیند . تمام این تحولات در راه اسلام و تشیع که در جهت مبارزه با مستکبران اجناسی انجام می گیرد و شریعت مسلمین شمععات در بران نجات و تنهایی و برهه می بیند نامیز نیست ، در آخرین تحلیل و صرف نظر از عیار منطقی دماوی و نحوه استدلالات و حصول به سود خلق به سود حقیقت است و لذت از جهت احتیاجی مشتت و مورد پشتیبانی همه گردان های مترقی جنبش رهایی بخش و انقلابی گدو ریاست .

ما علی رزم شاه که مابین "سلطان" و "مارکسیست" هیچ وجه مشترکی نمی بیند ، بر آنیم کسیه سلطان انقلابی و مارکسیست ، از آن جهت که هر دو خواستار حاکمیت دادن به استبداد و امتیاز است . هر دو ضنای پیروزی خلق زحمتکش کسب می نمودند ، هر دو وسعاً و قریباً وند آگاهی در راه خلق را و وطنه مذہب هر سر ایرانی و راه منحصر رهایی او می شمرند ، دارای وجوه مشترک هستند و آن هم وجوه مشترک در مسائل اساسی واقعی ، به همین جهت اتحاد مسلمانان انقلابی و مارکسیست ها در شرایط کنونی تاریخی نغفلت ممکن بلکه ضروری است و مسئله حاد و مبرم زمان ماست .

رزم سیاست طرف بیاند از حکومت کن رابین مسلمانان و مارکسیست ها در نهال می کند به دروغ و بی رزم و اقلیات جلوه می دهد که گویا مارکسیست ها خواستار امتیاز جبری مذہب و هواداران مذہبند .

(۱) - از اسئلة متعددی که می توان درباره این روس برجسته کردن احکام مترقی اجناسی در اسلام ذکر کرد یک نمونه که در حواشی آقای محمد رضا حکیمی بر کتاب "اسلام در ایران" اثر نظری و قوسکی آمده است و به نظر ما بسیار جالب است می آوریم . در کتاب "الکواحد" باب "الاضعافه والاشراف" علامه حلی لقبه مشهور شیعہ چنین حکمی آمده است که با همان مضمون در "المبسوط" شیخ طوسی و "مراویح" مطلق حلی و "مستدرک الشیخ" ملا احمد نراقی و "وسيلة النجات" ۶ سید ابوالحسن اصفهانی نیز ذکر کرده اند . در آن حکم چنین است : "و یزید و یتبدع حکام الخیرین کان صاحبہ مفسطراً و یوالی اولاد و اولاد اولاد و لو کان بیخاف الا اضطراب و الا مفسطراً و اولی . فان لم یکن کسیه نسی و وجب علی المالك یتدله . فان نسیه فسیبه . فان تدفعه لجاز قتل المالك لئلا یفدح (ج ۳ ص ۱۶) چاپ ۱۳۲۹) معنی چنین است : اگر کسی خوردنی شخصی دیگری را بیاید ، اگر صاحب آن خوردنی خود نمی شناسد یا بداند است که اولویت دارد و اگر او ترسی از تنگ دستی ندارد ، پس شخصی تنگ دست بر او اولویت پیدا دارد . حال اگر آن شخصی تنگ دست بیاید آن خوردنی را نتواند خورد ، ببرد از او بر مالک آن خوردنی واجب است که آن را به تنگ دست بدهد . کند و ببخشد و اگر مضعش نماید می تواند فضعش کند و اگر دفعش نماید آنگاه کمترین مالک مجاز است . برخی از شیعہ ایمان مترقی بر آنند که امتثال این احکام را می توان با "تفویح مناط" تعدیم داد یعنی آنها را استثلاً در مورد سلب مالکیت از طفلیمان و پسران گمان اجتماعی به سود تنگ دست مسلمانان و زحمتکشان منطبق شمرده است .

به دست روحانی نمایان و ایست به ساواک آن جهاتی از دین را تبلیغ می‌کند که به کمک آن بتواند تودهای مردم را خند برنماید. رژیم سلطانی را که سنت مبارزه جوانان افیه ضمیمه راعلیه جو روسم بنی امیه بینی همان برجسته می‌کنند و چهره نوی از دین نشان می‌دهند به مثابه بدعت گردان دین مورد تعقیب و آزار قرار می‌دهد و سیاست خود را در مورد رواج نساد اخلاقی و جعل و پهنی و سرکوب موقوفات ناکثرت به سه مورد اقلیت محدود و ممتاز و دینداری و حمایت از اسلام حلوه کر می‌سازد.

آنچه برای رژیم از مجموعه آموزشها و حملات مذهبی سودمند است، اموری است که موجب اشاعه خرافات و تخد و هوام و دیرکردن آنها از زندگی و مبارزه تنگدشت و طغیانت و صجاهه می‌باشد. این نوع نظریات را رژیم می‌در بخ به دست عمال مذهبی خود پخش می‌کند و انواع آداب به ظاهر مذهبی را که اغافا روحانیت متفرقی آن هار ابدت گذاری در اسلام می‌شمرد و رد و طرد می‌کند، در سراسر کشور پخش می‌کند. بدین ترتیب هم مذهب را بی‌سندل و هم سیاست تحمیل و تخد و راهه سود خود عملی می‌سازد.



ما با احساس تمسین و ستایش‌ناهد بهایش، گسترش و تشکیک زمره نویی در میان روحانیون و مذهبیان به طهر امه هستیم که حساب خود را از رژیم و نظام آوریده اشر به طور قاطع جدا می‌سازد و در داخل و خارج کشور به انصاف و وارث نبرد مردانه و جانپازانه کشید هاست. حزب ما هرگز مقایده و نظریات فلسفی، سیاسی و اقتصادی خود را نپوشانده است. لذا روشن است که ما بین بلکه سلسله از نظریات مادر عرصه های مختلف با نظریات این نیروهای متفرقی و انقلابی مذهبی اختلافات اصولی وجود دارد. ولی به نظر ما این اختلافات نیمی که مطرح است. تجربه نه تنها کشور ما بلکه کشورهای اسلامی دیگر نشان داده است که وحدت عمل دراز مدت و وسیع مارکسیست ها و مسلمانان انقلابی قبل از انقلاب اجضاضی و بعد از آن امری است. هر دلی و نه نقطه شدنی است، امری است ضروری و نه فقط ضروری است تنها وظیفه ای است که در برابر آنها قرار دارد. اینکه مدت هاست که خون مارکسیست و مسلمان در راه آزادی خلق بلکه جا برخگام میوزد و بر درفش پیکار آنها شعارهای همانندی نوشته شد هاست.

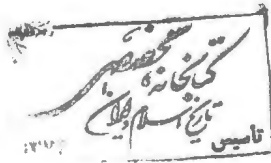
تجربه نشان داده است که اگر دشمن موفق شود با استفاده از وجود اختلاف همین این دو نیروی مهم انقلابی شکاف بیاورد، مواضع ستیزگانه خود را تحکیم کرده است و اگر نتواند دچار باخت می‌شود است که می‌تواند سرانجام برایش سبک باشد. ما مارکسیست های ایرانی از تاریخ گذشته و معاصر کشور خود و جهان درسهای فراوان اندوخته ایم به همین جهت آموش ما برای وحدت عمل دراز مدت با مسلمانان انقلابی گشاده است. ما امید داریم که مسلمانان انقلابی نیز بایند آموزی از تاریخ برای چنین وحدت عملی آماده شوند. ما اطمینان داریم که می‌توان در راه راز و پر رنج انقلاب و در دوران پس از آن در مسافت مختلف با موفقیت زمان و عمل مشترک یافت. اگر تشیع که در دوران پر جه مقاومت و استقلال طلبی جامعه ماطلیه اشراکتت حرب و ترک، هصال و همدستان ایرانی آنها بود بخواند این نقش پر افتخار را حیا کند (۱)

(۱) آقای دکتر سید جعفر شهیدی در مقاله منتشره در مجله "یفا" (به مارچ ۱۳۵۳) برای تکامل تشیع ادوار پنجگانه ای قائل است و بر آنست که تشیع در دوره اولیه (یعنی از آغاز تا غیبت امام دوازدهم و سپس از غیبت امام دوازدهم تا پایان عهد سلجوقی) اصالت داشته و در مقابل "اشاعره" و "مرجئه" که به ترتیب حکومت مقل و وجود الهی را نفی می‌کردند، بر روی این دو عنصر تکیه می‌کرده است و در ادوار سه گانه بعدی به تدریج رو به انحطاط رفته و مسئله جانشینی و خلافت و مقابله علی و عهده ران به مسئله مرکزی بدل گردیده است. ولی ما از جهت نقشی که تشیع به عنوان درفش عقیدتی در درخشندگی علیه خلافت اموی و عباسی و سپس مهاجمان مغولی و سلاطین تیموری و خودن کاران عثمانی و خانان ازبک ایفا کرده است، برای آن عمل کرد تاریخی مهمی قائلیم که در متن به آن اشاره شد هاست. شایان ذکر است که اسلام و تشیع از زمان سید جمال الدین اسدآبادی باز بگر به عنوان نیروی پیکار علیه استعمار رو



تنها موجب بالا رفتن ارج تاریخی آن مجاهدان شهنشاه است که با چنین پرچم به میدان آمده اند و مسیحا
مارگسیست ها که هواداران فسادت مشهور تاریخی هستیم به نفع خود برای چنین مجاهدانی ارج لازم
را قائل نخواهیم بود .

ا . ط .



استعداد و وارد عمل شد ، همه اینهاست که از آن تاریخ بود ، در حد که نقش سلیمان و شمسین
انتظاری در حال و آینده نقش مؤثر وجدی باشد . ط .